

اندیشه صلح در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

مهدی جعفری پناه*
یوسف خان محمدی**

چکیده

صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها و دولت‌ها ضرورتی انکارناپذیر، در راستای حفظ بقای انسان و مطابق با آموزه‌های اسلامی است. ارزش ذاتی مفهوم صلح در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای زمانی درک می‌شود که منتج به عدالت، امنیت، حفظ کرامت انسان و اخلاق گردد. مسئله پژوهش حاضر این است که اندیشه صلح مطلوب در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دارای چه ویژگی‌هایی است که منتج به صلح عادلانه می‌گردد؟ مدعای مقاله آن است که صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای اصالت داشته و مبنا و ریشه فکری آن، به آموزه‌های اسلامی برمی‌گردد و بر مؤلفه‌هایی مانند صلح ساختاری، نگاه غایی به صلح، اجرای عدالت و تاکتیکی پنداشتن مقوله «نرمش قهرمانانه» استوار است. در این مقاله سعی شده است با به کارگیری روش تحلیل محتوا مفهوم صلح و مضافات آنان که منتج به صلح عادلانه می‌گردد، پرداخته شود.

کلمات کلیدی

صلح، اسلام، جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، صلح عادلانه.

*. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه جامیا ملیا، دهلی نو. (نویسنده مسئول)

m.jafaripناه25@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید و مدرس گروه معارف اسلامی.

khanmohammadi@mofidu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۴

مقدمه

بدون شک صلح، امنیت و آرامش از خواسته های مهم و اساسی بشر بوده و انسان ها برای زندگی، پرورش فکر و آسایش روان به محیطی عاری از هرگونه خشونت و عدم تحدید ناعدالتی احتیاج دارند. اسلام با داعیه جهانی شدن خط و مشی، دینی مسالمت آمیز را ترسیم نموده و اگر جهاد دفاعی نیز مطرح می گردد در راستای دفاع از حقوق انسانی و مستضعفان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰۴) اصل اسلام براساس صلح است و جنگ عارضی و در شرایط خاص تجویز شده است. (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۵)

با بررسی بیانات و مواضع آیت الله خامنه ای پیرامون مفهوم صلح، می توان به برخی معیارها رسید که شرایط، محذورات و ملزومات صلح عادلانه را تبیین می نماید. در منظومه فکری آیت الله خامنه ای برخی مواقع صلح از جنگ بدتر است. (ر.ک: بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۷/۲۳) صلح با کسی که متعرض اسلام و مسلمانان شده و همچنین همزیستی مسالمت آمیز با کسانی که خوی استکباری دارند و بر دیگران ظلم و یا غاصب سرزمین آنها هستند، نه عقلایی است و نه آموزه های اسلامی چنین صلحی را می پذیرد. این نوع صلح موجبات بی عزتی، عقب افتادگی، ذلت و سلطه پذیری دیگران را فراهم می نماید. از منظر آیت الله خامنه ای صلحی دارای ارزش ذاتی است که منتج به عدالت، امنیت، رشد اخلاق گرایی و معنویت گرایی و کرامت انسانی گردد. یکی از اقتضات مهم تحقق صلح عادلانه آن است که خاستگاه آن الهی و ارزشی باشد و انسان را به سعادت برساند. با توجه به آنچه بیان گردید نیل به صلح عادلانه اقتضاتی دارد که تحقق آن اقتضات، انسان را رستگار و به کمال می رساند، در این مقاله سعی شده است به آن پردازیم.

با توجه به سؤال مطرح در این مقاله، فرضیه مطرح آن است که آیت الله خامنه ای برای صلح مفهوم و معانی خاصی قائل هستند. ایشان تحقق آرامش، صلح و همزیستی مسالمت آمیز را در گرو مبارزه با ظلم، استکبار و خشونت ساختاری و نیز احترام به حق حاکمیت کشورها، برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی کشورها می دانند. اگر مواردی که بیان گردید، در جامعه جهانی وجود داشته باشد، می توان به تحقق صلح عادلانه و صلح ساختاری در نظام بین الملل امیدوار بود.

تعریف صلح و مفاهیم مترادف با آن

به نظر می رسد برای تبیین معنای صحیح «صلح» بهتر است دو مفهوم «هدنه» و «سلم» نیز مورد بررسی قرار گیرد. از این رو در ادامه این سه واژه بررسی می گردد و در نهایت نتیجه گیری بیان می گردد.

۱. مفهوم صلح

علامه مصطفوی صلح را از ماده «صلح» در مقابل فساد معنا می‌کند و معتقد است هر جا افساد باشد، اصلاح صورت نخواهد گرفت. (مصطفوی، ج ۶، ۱۳۶۰: ۲۶۶)

ابن‌منظور نیز در *لسان‌العرب* صلح را ضد فساد و اصلاح را نقیض افساد ذکر نموده است، ایشان معنای دیگری برای صلح ذکر کرده و آن سازش بین افراد یک قوم است. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۲ / ۵۱۶)

راغب بیان می‌دارد «صلح» به معنای ضد الفساد، ولی صلح مختص به از بین رفتن نفرت میان مردم است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۸۹) صلح به کار رفته‌شده در آیه ۱۲۸ «وَالصَّلْحُ خَيْرٌ» قرآن کریم و نیز آیه ۹ سوره حجرات «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» نیز همین معنا را می‌دهد.

در کتاب *قاموس قرآن*، صلح به معنای مسالمت و آشتی آمده است. (قرشی، ۱۳۷۶: ۴ / ۱۴۱) و برخی صلح را به معنای آشتی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌دانند که می‌توان آن را به پس از منازعه (رفع المنازعه) و نیز پیش از منازعه (دفع المنازعه) که نوعی پیشگیری محسوب گردد، اطلاق نمود. (ورعی، ۱۳۸۹: ۶۴)

۲. مفهوم هدنه

«هدنه» ترک مخاصمه است. (کاظمی، ۱۳۶۸) هدنه و مهادنه به معنای آتش‌بس (پیمان ترک جنگ) است که به صورت محدود و موقت است. (نجفی، ۱۳۶۲، ۲۱ / ۲۹۲) این محدودیت و مشروط بودن، ممکن است ناشی از حکمت و مصلحت باشد، مانند تجدید قوای روحی و نظامی، عدم‌محبوبیت جنگ و ایجاد فرصت جهت گرایش به اسلام باشد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۷ / ۱۳؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۳ / ۸۲) واژه هدنه، اغلب به صلح پس از جنگ اطلاق می‌گردد. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۲۸)

۳. مفهوم سلم

سلم در لغت به معنای آشتی و صلح و در مقابل جنگ به کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۷۷: لغت سلم) راغب اصفهانی «سلم»، «سَلِمَ» و «سَلَام» هر سه مورد را به معنای صلح آورده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۴۰) ریشه کلمه اسلام، سلم است و کلمه اسلام یعنی دادن امان امنیت و سلامت است و بدین ترتیب جامعه اسلامی محیطی توأم با تفاهم، الفت و صلح است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۳۷۵؛ حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۳۹)

سلم در کتاب *قاموس قرآن* به معنای کناربودن از آفات ظاهری و باطنی ذکر شده است. (قرشی، ۱۳۷۶: ۳ / ۲۹۶) سلم یا سلیم به معنای صلح و آشتی، مسالمت‌آمیز است. (رازینی، ۱۳۸۶: ۱۳۶) برخی

سلم را به معنای موافقت شدید در ظاهر و باطن می‌دانند که اختلافی در میان نباشد، و معنای مقابل دشمنی به کار رفته است و صلح از لوازم این معنا محسوب می‌گردد. در واقع صلح در این تعریف به معنای مطلق صلح و آشتی خواهی است. (مصطفوی: ۱۳۶۰: ۵ / ۱۸۸)

۴. مفهوم صلح در نظام بین‌الملل

در نظام بین‌الملل جدید مفهوم «صلح» به معنای دوری از اختلاف و ممانعت از برخورد شدید تفسیر شده و آنچه از این مفهوم انتزاع می‌گردد؛ اینکه ثبات نسبی در روابط بین‌الملل از جایگاه خاصی برخوردار بوده و انسان دارای طبیعت صلح‌جو و متنفر از خشونت است. (ساعد، ۱۳۹۰: ۲۳) در فرهنگ جامع علوم سیاسی نیز، صلح به معنای عدم‌مخاصمه، فقدان جنگ و نبود تهدید بین کشورها اطلاق می‌گردد. (اشرافی، ۱۳۹۳: ۸۴ - ۸۳) از این رو می‌توان گفت مفهوم یا سازه صلح در گفتمان مطالعاتی جدید صلح، از یک رویکرد واقع‌گرایانه (صلح منفی) به رویکرد لیبرالی (صلح مثبت) و از موضع لیبرالی صلح به رویکرد پسالیبرال متحول و شیفت معنایی پیدا کرده است. (صالحی، ۱۳۹۴: ۱۰۴) گالتونگ که به پدر مطالعات صلح مشهور است، تحقق صلح را در گرو عدم‌مداخله و به‌رسمیت شناختن حاکمیت دولت‌ها می‌داند. (Gilligan, 1996: 32) وی نبود خشونت ساختاری را سبب تحقق صلح مثبت می‌داند و معتقد است اگر خشونت ساختاری از بین برود، صلح ساختاری جایگزین آن می‌گردد که این امر می‌تواند به عدالت بینجامد. (عسکری و خسروی، ۱۳۹۵: ۲۵۰)

تعریف صلح و اهمیت آن در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای نگاه قیّم‌آبانه غرب بر موضوعات مختلف از جمله مفهوم صلح را که مبتنی بر دیدگاه‌های سکولاریستی و تمامیت‌خواهی است، قبول ندارد. ایشان مفهوم صلح را با توجه به مبانی اصیل اسلامی مطرح می‌نمایند. اگرچه نمی‌توان در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، یک تعریف مشخص از صلح بیان نمود، اما از مجموع بیانات و موضع‌گیری‌های ایشان چند ویژگی در مورد مفهوم صلح قابل بیان است که می‌توان اهمیت صلح را با توجه به آن ویژگی‌ها مطرح نمود که در ذیل بیان می‌گردد:

یک. صلح مطلوب دارای اقتضائات و الزاماتی است که نیل به آن، بدون در نظر داشت آنها، تحقق نمی‌یابد. عدالت از جمله الزامات و اتصافات صلح است، بدون عدالت نمی‌توان به برون‌رفت از مشکلات ناشی از تبعیض ساختاری و بداخلاقی‌ها رسید. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای صلح، تنها در پرتوی عدالت شکل می‌گیرد و این به معنای اقدامات عملی و سازنده برای زمینه‌سازی، بارورسازی و شکوفاسازی صلح پایدار و عادلانه است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

خیال می‌کنند که صلح به‌طور مطلق یک ارزش است؛ نه، صلح به‌طور مطلق یک ارزش نیست، صلح عادلانه یک ارزش است. و الا ظالمی که آمد خانه یک مظلومی را غصب کرد، با همدیگر اختلاف پیدا می‌کنند؛ آن مظلوم اعتراض می‌کند، دعوا می‌کند؛ یکی بیاید بگوید صلح کنید؛ حالا پهلوی هم زندگی کنید! پس غصب خانه او چه می‌شود؟! بنابراین، صلح عادلانه مهم است. (بیانات در دیدار با روحانیون استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷)

بنابراین می‌توان گفت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای صلح و عدالت دو مفهوم کلیدی هستند که در کنار هم معنا می‌یابند.

دو. نگاه به صلح و عدالت یک نگاه چند وجهی است که در آن تحقق عدالت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باید توأمان صورت پذیرد.

سه. صلح یک موضوع جهان شمول، فراملیتی، فرامکانی و فرا زمانی است، (ملک‌زاده، ۱۳۹۶: ۴ - ۲) این بدین معناست که نگاه به صلح نباید محدود به ملت و سرزمین خاص گردد. این دیدگاه در مقابل صلح دمکراتیک قرار دارد که نظریه پردازان آن، تحقق صلح را محدود به کشورهای دمکراتیک می‌نمایند. از این رو مقام معظم رهبری در طی چهار دهه گذشته با یک نگاه فراملیتی و جهانی به موضوع صلح و عدالت توجه داشته است.

چهار. پذیرش تحمیل صلح، از طرف هر دشمن و سلطه‌گری ناپذیرفتنی است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «برای یک ملت، صلح تحمیلی و غیرعادلانه، از جنگ هم بدتر است». (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۷/۲۳) از این رو صلح باید در تقابل با اهداف و ساختار ناعادلانه نظام سلطه باشد که نظم ظالمانه را در جهان را به وجود آورده‌اند.

چارچوب نظری

دو نوع مناقشه در مباحث آکادمیک از جمله روابط بین‌الملل وجود دارد که برخی ماهوی و برخی روش‌شناختی است، در روش‌شناختی با مسائل فلسفی سر و کار داریم، ولی در موضوعات ماهوی معطوف به حقیقت است. صلح از جمله مسائل معطوف به موضوعات ماهوی هستند. (جکسون و گئورک، ۱۳۸۳: ۲۷۸ - ۲۷۷) نظریه انتقادی از جمله نظریاتی است که به ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل ایرادات اساسی دارد، در واقع نظریه انتقادی شامل طیف وضعی وسیعی از دیدگاه‌های انتقادی در روابط بین‌الملل است که در مقابل جریان اصلی قرار می‌گیرد. (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۲۱۳) رویکرد انتقادی برگرفته شده از نظریات ماکوزه و هابر ماس، با مفاهیم مورد اسلامی در ماهیت و ساختار سیاست بین‌الملل همسانی زیادی دارد. ناعدالتی، سلطه و سرکوب، از جمله مفاهیمی است که ارتباط معنایی زیادی

- مشترک لفظی - با مفاهیم نظریه انتقادی دارد، هرچند به دلیل معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی بین دو نظریه اسلامی و نظریه انتقادی تفاوت‌هایی بنیادین وجود دارد. (کوهکن، ۱۳۹۶: ۲۹۹)

نظریه انتقادی معمولاً از طریق اتخاذ موضع بازتابی در چارچوب وضعیت موجود نظم حاکم بر جهان، مبانی و مشروعیت نهادهای اجتماعی و سیاسی را زیر سؤال می‌برد و مبادرت به بررسی شیوه‌های می‌نماید تا آنها را دستخوش تغییر کند. در این روند به تاریخ به صورت فرایندی که به طور مستمر تغییر می‌کند، نگاه می‌شود. (قوام، ۱۳۸۴: ۱۹۴) از منظر نظریه‌پردازان انتقادی دانش از لحاظ اخلاقی، سیاسی و ایدئولوژیک ممکن نیست خنثی و بی‌طرف باشد، در اینجا باید اذعان نمود که بسیاری از نظریه‌پردازان انتقادی در صدد بهره‌گیری از دانش برای مقاصد سیاسی هستند، تا بدین وسیله باعث رهایی انسان از ساختارهای سرکوب‌کننده سیاست و اقتصاد جهانی که تحت سلطه قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه سرمایه داری آمریکا هست، گردند. (همان: ۱۹۵ - ۱۹۴)

روند پیشرفت در توسعه مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران ضمن بسط توسعه سیاسی منجر به سیاست‌های مسالمت‌آمیز منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای دنیای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی، اعتمادسازی، گفتگوی تمدن‌ها و ائتلاف برای صلح شده است. (رضانی، ۱۳۸۰: ۱۲۵ - ۱۱۱)

بیانات و موضع‌گیری‌های آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون مقوله صلح حکایت از اهمیت دادن ایشان به جایگاه علمی صلح در جهت‌گیری و تنظیم روابط بین کشورها دارد. البته صلح متصف به امنیت و عدالت که ریشه در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام، فقه، اخلاق و قرآن دارد، دارای ارزش و مشروع است. اسلام یک دین تحول‌گرا است و در آن این پتانسیل وجود دارد که بتواند در مقابل دیگر اندیشه‌ها مطرح و نظمی نوین در نظام بین‌الملل مطرح نماید. در این میان جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی شکل گرفته است، یک جریان غیر همسو با تحولات و ساختار نظام بین‌الملل است و به نظامات ناعادلانه حاکم بر روابط سلطه‌گری آنها بر دیگر کشورها انتقادات کلیدی دارد. انقلاب اسلامی ایران در بطن خود دارای ویژگی‌های مثل نفسی سلطه، عزت‌طلبی، نفی خشونت در تحركات اجتماعی، تأکید بر عدالت اجتماعی، رفع تبعیض اجتماعی، حکومت مردم‌سالار، معنویت‌گرایی، اخلاق و عدالت محور بنا گشته است که آنها به گسترش صلح مثبت می‌انجامد و شرایط را در جهان به‌نحوی ایجاد می‌کند که به صلح مثبت بینجامد. (کوهکن، ۱۳۹۵: ۱۸ - ۱۰) این ویژگی‌ها رویکرد انتقادی ایران به نظامات حاکم در ساختار بین‌الملل را قوام می‌بخشد.

الزامات یک صلح مطلوب

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای واژه صلح را کلمه‌ای زیبا، اما فریبنده می‌داند که به‌عنوان یک ترفند و ابزار

در راستای منافع قدرت‌های بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. (ر.ک: بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰) ایشان صلح را زمانی مطلوب می‌داند که نگاه به آن به‌عنوان یک هدف، در راستای ایجاد عدالت، امنیت و اخلاق گام بردارد، از این رو یکی از الزامات صلح مطلوب داشتن نگاه غایی به صلح است. نگاه ابزاری به موضوعات بین‌المللی، در جهت اهداف، منافع و امیال برخی کشورها و سازمان‌ها، از جمله مسائلی است که سبب گردیده، همواره عده‌ای در نظام بین‌الملل منتقد این نوع نگاه باشند. در صلح ابزاری که می‌توان آن را صلح پوششی نیز نامید، برخی دولت‌های قدرتمند در نظام سلطه از مفهوم زیبای صلح جهت مشروعیت‌بخشی به اقدامات توسعه‌طلبانه و در راستای توجیه رفتار و اقداماتشان سوءاستفاده می‌نمایند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

رژیم صهیونیستی، که برپایه زورگویی و خشونت و قساوت بنا شده، با پشتیبانی آمریکا از نام زیبای صلح برای پایان دادن به مسئله فلسطین و اعمال تجاوز کارانه خود استفاده می‌کند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰)

ابزاری پنداشتن صلح در لیبرالیسم همسان و برگرفته از رویکرد نواقح‌گرایی است. زیرا لیبرال‌ها همان‌طور که والتز بیان می‌دارد، نگاهشان به صلح به‌مثابه یک فرصت امنیتی تلقی می‌گردد (Waltz, 1974: 16-41) و این موضوع سبب شده، نوع نگاه به مقوله صلح تنها در چارچوب منافع و امنیت تعریف گردد. در مقابل این رویکرد، نگاه غایی به صلح نیز وجود دارد و این بدین معناست که صلح یک هدف بوده و اصالت دارد و تنظیم روابط و تلاش‌های مادی و معنوی نهایتاً باید به استقرار صلح بینجامد. دیدگاه اسلام به این رویکرد نزدیک است، اگرچه فهم درستی از دیدگاه اسلام در مورد موضوعات مختلف از جمله صلح در غرب وجود ندارد. (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۷۴) یکی از مهم‌ترین فلسفه بعثت پیامبران رفع اختلافات، حل تضادها و برقراری روابط مسالمت‌آمیز بین افراد و ملل جهان است، با مطالعه تاریخ اسلام می‌توان دریافت که انگیزه اولیه مردم یشرب از دعوت پیامبر ﷺ حمایت از ایشان و رفع اختلافات دو قبیله اوس و خزرج بود. (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۳۹) اجرای عدالت و صلح به‌عنوان یکی از هدف‌های مهم بعثت پیامبران بوده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همواره مخالف رویکرد لیبرالی و نواقح‌گرایی به صلح هستند زیرا معتقدند نگاه ابزاری به صلح، نه‌تنها تأمین‌کننده امنیت نیست، بلکه سبب زیاده‌خواهی یک عده می‌گردد. ایشان در این باره می‌فرماید:

اینها صلح را هم مقدمه‌ای برای تجاوز بعدی می‌خواهند! اگر صلحی برقرار شود، مقدمه‌ای است برای اینکه بعد بتوانند طور دیگری تجاوز و تعدی کنند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰)

در صلح ابزاری از هر وسیله‌ای برای کسب بیشتر منافع استفاده می‌نماید در چنین شرایطی جایی برای مفاهیمی مقدس همچون خداگرایی، عدالت، صلح و امنیت باقی نمی‌ماند، بلکه تمام این مفاهیم به‌مثابه ابزاری در راستای کسب منافع بیشتر در ساختار معیوب بین‌الملل استفاده می‌گردد. در ساختار ناعادلانه حاکم بر فضای بین‌الملل، قوانین موضوعه مانند حق وتو و یا مفاهیمی با ظواهر فریبنده مانند نظم نوین جهانی، بیشترین خطر را برای صلح دارند. زیرا استفاده ابزاری از این مفاهیم و قوانین فضای گفتمانی را به‌سوی فضایی غبارآلود می‌کشاند که توان تظلم‌خواهی را سخت و عرصه را برای سلطه‌گر وسیع می‌نماید، چه‌بسا این امر از جنگ نیز برای به مخاطره افتادن صلح بدتر است.

صلح مطلوب در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، آن است که غایت آن در راستای تحقق اهداف و رضایت خداوند، نیل به کمال انسانی و سعادت بشر، رفع ظلم و در تضاد با امیال قدرتمندان و مستکبران باشد. «صلح باید بر مبنای عدالت و با معرفت به کرامت انسان و به دور از اغراض قدرتمداران عالم باشد». (پیام مقام معظم رهبری به اجلاس هزاره رهبران دینی جهان: ۱۳۷۹/۰۶/۰۹) اما تحقق صلح در رویکرد غربی (کانت) بیشتر معطوف به رعایت حقوق شهروندان، جوامع یا دولت‌های همسو با اهداف آنها تعریف می‌گردد. در نظریه صلح دموکراتیک توجهی به ارزش‌های الهی و دینی نمی‌گردد و صلح مبتنی بر عدالت مورد توجه قرار نمی‌گیرد. (جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۴۱)

منفعت‌گرایی و خودمحوری همواره سبب به خطر افتادن صلح و آرامش در طول تاریخ بوده و هست. اهداف غایی در صلح موقعی محقق می‌گردد که منشأ نزاع‌ها و اختلافات از خودگرایی به خداگرایی شیف‌ت پیدا کند، در این صورت بشریت روی صلح و آرامش و ثبات را در جهان خواهد دید. (دهشیری، ۱۳۹۱: ۳۰۶) یک نگاه اشتباه به صلح وجود دارد و آن تفکر افراطی در صلح‌طلبی و عدم‌ورود به جنگ است. مبنای این تفکر موجبات سوءاستفاده صاحبان قدرت را فراهم می‌نماید و نیز سبب کسب حداقل‌های امنیت و صلح می‌گردد، این امر همچنین موجبات ظلم مضاعف به مستضعفان و باعث خودتحمیلی صلح، در راستای مشروعیت به وضع موجود می‌گردد و ابزاری برای ظلم بیشتر جبهه استکبار به لحاظ فکری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌گردد. (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

نگاه جامع به مقوله صلح در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، که صلح را به‌عنوان یک غایت مطرح می‌نماید، بدین معنا نیست که با این منطق، تنها به فکر صلح (عدم‌جنگ) باشیم. ایشان معتقدند این

فهم ناقص از موضوع سبب باز نمودن میدان برای استفاده ابزاری از صلح می‌گردد. اگرچه ایشان اعتقادی به صلح ابزاری نداشته اما محوریت صلح به‌عنوان غایت را تا موقعی می‌پذیرند که سبب پیشروی اهداف ضدانسانی و ضدعدالتی نگردد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶)

نرمش قهرمانانه و رابطه آن را صلح

مفهوم نرمش قهرمانانه عنوانی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ترجمه کتاب *صلح امام حسن (علیه السلام)*؛ پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ استفاده نمودند. این تعبیر یک ابتکار فکری از سوی ایشان و به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در مسائل مربوط به صلح مورد استفاده قرار می‌گیرد. نرمش قهرمانانه یک انعطاف مقطعی، با لحاظ اقتضائات و شرایط خاص است که می‌توان از آن به‌عنوان یک استراتژی استفاده نمود. اگرچه تعاریف بسیاری از این مفهوم شده ولی بهترین تعریف و تبیین از این عبارت را خود مقام معظم رهبری داشته‌اند. ایشان در دو سخنرانی تبیین صحیح از این کلمه بیان داشتند.

یک. «ما تعبیر نرمش قهرمانانه را به‌کار بردیم؛ یک عده‌ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمان‌ها و هدف‌های نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب‌نشینی از اصول خودش متهم کنند؛ اینها خلاف بود، اینها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به‌معنای مانور هنرمندانه برای دست‌یافتن به مقصود است؛ به‌معنای این است که سالک راه خدا به‌سمت آرمان‌های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می‌کند، به‌هر شکلی و به‌هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود. (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹)

دو. «نرمش قهرمانانه برخلاف برخی تفاسیر، معنای واضحی دارد که نمونه آن در مسابقه کشتی نمایان است در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است اگر کسی قدرت داشته باشد اما انعطاف لازم را در جای خود به‌کار نگیرد قطعاً شکست می‌خورد اما اگر انعطاف و قدرت را به‌موقع مورد استفاده قرار دهد پشت حریف را به خاک می‌نشانند». (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۰۵/۲۲)

نرمش قهرمانانه دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سازش و صلح ذلیلانه منفک می‌نماید. نرمش قهرمانانه زمانی مشروع است که اولاً به‌عنوان یک سیاست موقت در مقابل دشمن به‌کار گرفته شود تا شرایط برای اقدام مناسب آماده گردد. ثانیاً عزت اسلامی، معیارهای عقلایی، مصالح مهم اسلامی، اخلاق و عدالت خدشه‌دار نگردد.

نرمش قهرمانانه در دیپلماسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک تاکتیک و

روش مطرح هستند نه به عنوان یک راهبرد. هدف و راهبرد صلح باید در راستای تحقق صلح عادلانه باشد. اما نرمش قهرمانانه که با سازش و صلح خفت‌بار فرق می‌کند در راستای راهبری اصلی صلح تعریف می‌شود که ابتکار عمل به دست گرفته بشود و با شناخت و فهم صحیح از دشمن اهداف و راهبردها به هدف برسد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

ما مخالف حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستیم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد. (بیانات رهبری، ۱۳۲۶/۰۶/۲۶)

نرمش قهرمانانه باید در شرایط احترام و حقوق متقابل و اقتدار نظام حاصل گردد و به‌عنوان یک ابتکار هوشمندانه در راستای آرمان‌های انقلاب اسلامی و دیپلماسی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت حرکت نماید، این تاکتیک نباید موجب غفلت از ماهیت دشمن و اهداف او بشود تا بتوان در فرصت مقتضی ابتکار عمل با اتخاذ تصمیم هوشمندانه به نتیجه برسیم. (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۷۳)

با توجه به آنچه بیان گردید، ذکر چند نکته پیرامون رابطه صلح و نرمش قهرمانانه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای قابل بیان است:

یک. نرمش قهرمانانه یک اقدام عجولانه برای پذیرش صلح نیست، بلکه پس از عمل به وظایف و انجام تمام تلاش‌ها جهت نیل به هدف، به‌صورت مقطعی پذیرفته و صورت می‌گیرد؛

دو. برای فهم نرمش قهرمانانه لازم است بین مفهوم جنگ و جهاد تفکیک قائل شویم. جنگ اقدامی موقت که پس از صلح و بالعکس صورت می‌پذیرد. اما جهاد یک امر دائمی و تعطیل‌ناپذیر است و می‌تواند جنبه‌های مختلفی داشته باشد مانند جهاد فکری، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و ... (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۸/۲۰) و نرمش قهرمانانه نمادی از جهاد است که می‌تواند صلح و آرامش را تضمین و شرایط را جهت پیروزی بر دشمن مهیا نماید؛

سوم. نرمش قهرمانانه جایی مشروع است که سبب ذلت‌پذیری نگردد، زیرا نتیجه پذیرش ذلت سبب خدشه‌دار شدن اصول می‌گردد؛

چهارم. نرمش قهرمانانه باید با حفظ اصول و پابندی به مبانی اسلامی صورت پذیرد. برخی از مبانی و اصول مهم عبارت‌اند از حفظ جان، دین و وحدت اسلام و مسلمین؛

پنجم. با توجه به مضمون بیانات مقام معظم رهبری، نرمش قهرمانانه می‌تواند سه وجه داشته باشد. یک وجه آن می‌تواند در راستای فرصت‌دهی به طرف مقابل جهت پذیرش خواسته‌ها باشد.

وجه دوم نرمش قهرمانانه می‌تواند با هدف شناسایی نقاط ضعف طرف مقابل صورت پذیرد و در نهایت وجه دیگر آن می‌تواند با هدف تجهیز و تقویت قوا در مقابل دشمن انجام گیرد.

نتایج و آثار صلح مطلوب

با مذاقه در بیانات و موضع‌گیری‌های آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان گفت، آثار صلح باید به نتایجی منتج گردد که صلح عادلانه در نظام جهانی حاکم گردد. از این رو برای تحقق صلح مطلوب دو مسئله باید مورد توجه قرار گیرد که در ذیل به تبیین آن خواهیم پرداخت.

۱. مقابله با خشونت ساختاری

خشونت ساختاری، گونه‌ای از خشونت است که در چند نهاد اجتماعی و بین‌المللی وجود دارد و تأثیرات زیادی بر دولت‌ها و ساختار اجتماعی می‌گذارد و این موضوع بازخورد زیادی بر ناامنی و عدم آرامش در جهان دارد. (Gilligan, 1996: 65) مفهوم خشونت ساختاری را اولین بار گالتونگ مطرح نمود. ایشان دو نوع خشونت را بیان می‌نمایند:

یک. خشونت مستقیم که در صورت نبود آن می‌توان به صلح منفی دست یافت؛

دو. خشونت ساختاری که در نبود آن می‌توان به صلح مثبت نیل پیدا نمود. (عسکری، ۱۳۹۵: ۲۵۰)

در خشونت مستقیم، کنشگر وجود دارد و به‌طور علنی مرتکب خشونت می‌گردد، اما در خشونت ساختاری به دلیل عدم وجود کنشگر شخصی، خشونت با ساختار در آمیخته است و مستقیماً به کسی آسیب نمی‌زند بلکه نتایج غیرملموس آن به نابرابری در قدرت و فرصت‌ها می‌انجامد. (Galtung, 1969: 170) به نقل از: عسکری و خسروی، ۱۳۹۵: ۲۵۱ - ۲۴۹ بدون تردید آثار سوءخشونت ساختاری بر صلح و آرامش به مراتب از خشونت مستقیم بیشتر است و دلیل آن گستردگی حوزه تأثیر خشونت ساختاری بر نظام بین‌الملل است.

امروزه خشونت ساختاری در نظام بین‌الملل نفوذ نموده و به وضوح قابل رؤیت است و منجر به تغییر و جابه‌جایی ارزش‌های اخلاقی و سیاسی شده است، این خشونت که می‌توان از آن به «خشونت خاموش» نیز تعبیر نمود، به گونه‌ای است که حمله یک کشور قدرتمند به کشور دیگر در قالب دفاع پیش‌دستانه معرفی می‌گردد و موجبات تحقیر، بی‌عدالتی و ناامنی را برای آن کشور به وجود می‌آورد و کشور سلطه‌گر آن را در راستای بسط صلح عادلانه معرفی می‌نماید، اما اگر این اقدام را یک کشور ضعیف انجام دهد اقدام دفاعی آن به عنوان عمل تروریستی معرفی می‌گردد. بدون تردید نظام ناعادلانه جهانی سبب این خشونت ساختاری شده است و باید صلح ساختاری را

جایگزین آن نمود، از این رو مادامی که معیارهای دوگانه در ساختار نظام بین‌الملل حاکم باشد، خشونت نیز وجود دارد.

تا زمانی که معیارهای دوگانه بر سیاست غرب مسلط باشد، و تا وقتی که تروریسم در نگاه حامیان قدرتمندش به انواع خوب و بد تقسیم شود، و تا روزی که منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جستجو کرد. (نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی: ۱۳۹۴/۹/۸)

انقلاب اسلامی ایران با نگاهی انتقادی به نظم حاکم بر نظام بین‌الملل سعی نموده با عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و آگاهی‌بخشی به مظلومین و جبهه مستضعفین با ساختار ناعادلانه جهانی مقابله نماید. اعتقاد به وجود چنین شرایط ناعادلانه و ظالمانه‌ای تحت‌عنوان خشونت ساختاری در روابط بین‌الملل، نقطه اشتراک اهداف امام خمینی علیه‌السلام، آیت‌الله خامنه‌ای و آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظریه انتقادی است. (ستوده و دانش‌یار، ۱۳۸۸: ۱۱۸) به نظر می‌رسد مبنای چالش در مفهوم صلح از نگاه نواقح گراها ناشی از مقتضیات ساختار نظام بین‌الملل است، اقتضای این نظریه که نظام بین‌الملل را آنارشیک می‌داند در واقع شرایط نامنی و جنگی دائمی را کلید می‌زند. (Buzan, 2008: 84) به نحوی که خشونت در نظام بین‌الملل ساختار شده است.

خشونت تشکیلاتی مفاهیم و مسائل ارزشی و مقدس مانند صلح را نیز به حاشیه رانده است و از آن سو استفاده ابزاری می‌نماید. متأسفانه امروزه قدرت‌های بزرگ که قدرت و نفوذ زیادی در جهت‌دهی افکار عمومی دارند، با مفاهیمی همچون صلح و دفاع از حقوق ملت‌ها به سلطه‌گری خود مشروعیت می‌دهند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

سلطه‌گران بین‌المللی امروز به نام صلح، ملتی را قربانی می‌کنند و در پوشش حقوق بشر، نسل‌ها را به نابودی می‌کشانند... در فلسطین با شعار صلح، ملتی را به کلی از حق خود محروم کرده و در الجزایر به نام حمایت از دموکراسی گروه منتخب مردم را تارومار می‌کنند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۰۷/۱۴)

البته در کنار خشونت ساختاری غرب در قالب اسلام‌هراسی و تحقیر فرهنگی، ظهور گروه‌های افراطی مانند القاعده و داعش، نمونه‌ای از خشونت ساختاری غرب در برخورد با جهان اسلام محسوب می‌گردد. (مهربان، ۱۳۸۷: ۳۴ - ۳۳) این تحولات سبب بیداری افکار عمومی مردم جهان به‌خصوص مسلمانان شده است، از این رو ملت‌های بیدار با شنیدن مفاهیمی همچون صلح، فریب

نخورده و به انزوا و خموشی فرو نمی‌روند، (کوهکن، ۱۳۹۵: ۱۰ و ۱۳) بلکه در چهره یک مطالبه‌گر ظاهر شده و تا احقاق حقوق خود دست از مبارزه و مطالبه‌گری در راستای منافع مادی و معنوی خود بر نمی‌دارند. مردم منطقه علی‌رغم شیوه‌های گوناگون جبهه استکبار به این آگاهی رسیده‌اند که نباید فریب لفاظی و گفتمان‌سازی‌های غرب را بخورند.

۲. مقابله با صلح تحمیلی

آیا انسان می‌تواند تحت هر شرایطی صلح را بپذیرد؟ به عبارت دیگر در چه موقعیتی باید صلح را پذیرفت؟ بدون شک صلح دارای شرایط و ضوابط بوده، ممکن است برخی مواقع پذیرش آن حرام باشد. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز جهت پذیرش صلح شرایط و محدودیت‌هایی وجود دارد، ایشان در این باره می‌فرمایند:

اینکه کسی به دیگری ظلم کند و بعد مظلوم را وادار کنند که ظلم او را بپذیرد - بدون اینکه از طرف ظالم اندک انعطافی به وجود آید و از ظلم خود کم کند - این صلح است یا ننگ است؟! این تسلیم به ظلم است. این همان انضلامی است که در شرع مقدس اسلام حرام و مذموم است. (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۶/۲۵)

پذیرش صلح در صورتی مجاز و عقلایی است که به امنیت و عدالت منجر گردد، اگر نتیجه صلح، پوششی برای مشروعیت دادن به سیاست‌های ناعادلانه دشمن باشد، این خطایی استراتژیک است. از این رو باید در شرایطی صلح را پذیرفت که عرصه بر دشمن تنگ گشته و عزت انسان لکه‌دار نگردد. باید با مقاومت در مقابل جبهه سازش‌کار که عزت را خدشه می‌نماید، ایستاد. تجربه تاریخی نشان‌دهنده آن است که مقاومت همواره تضمین‌کننده صلح بوده، زیرا جلوی طمع‌ورزی از دشمن گرفته می‌شود و این امر امنیت و آرامش جامعه را از خطرات ناشی از جنگ ضمانت می‌نماید.

الگوی مقاومت و مبارزه پیش‌روی ماست؛ یعنی می‌توان با مقاومت و مبارزه و البته تحمل خسارت، به پیروزی رسید. درعین حال الگوی شکست نیز پیش‌روی ماست و آن دل بستن به روش‌های سازشکارانه و کاسه‌گذاری صلح در دست گرفتن است. نتیجه آن نیز تحقیر، به ذلت کشاندن و درنهایت تحمیل یک‌طرفه خواسته‌های اسرائیل است که این را نیز عیناً مشاهده کردیم. (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۲/۰۴)

برخی مواقع ممکن است صلح از روی ترس، تحمیل و بدون رعایت عزت و مصلحت صورت پذیرد،

این امر می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری دربرداشته باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

برای یک ملت، صلح تحمیلی و غیرعادلانه، از جنگ هم بدتر است. بشر به امنیت و صلح احتیاج دارد. هر کس این را تهدید کند، بشریت را تهدید کرده است. امروز کسانی که صلح را تهدید می کنند، بشریت را تهدید می کنند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۷/۲۳)

شاید بتوان آیات و روایاتی که سخن از هدنه به میان آورده اند، دلیلی برای تجویز صلحی باشد که از طرف مقابل (دشمن و غیرمسلمان) پیشنهاد می گردد. برخی هدنه را به معنای پیمان ترک جنگ محدود معنا می نمایند. (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۱ / ۲۹۲) خداوند متعال در قرآن کریم برای پذیرش ترک مخاصمه می فرماید:

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَكُنْ يَتْرُكُمُ أَعْمَالَكُمْ. (محمد / ۳۵)
 پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی کند.

تفسیر راهنما ذیل آیه «فَلَا تَهِنُوا» سه نکته مهم بیان می دارد که عبارت است:

۱. نهی الهی از سستی در مبارزه با دشمن و تن دادن به سازش؛
۲. توجه به نافرجامی خط کفر، مقتضی مصمم بودن مؤمنان در نبرد با کافران بدون هیچ سستی و سازش؛

۳. سستی در جهاد و نبرد با دشمن، موجب سازشی خفت بار می گردد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶:

ذیل آیه ۳۵ سوره محمد)

با توجه به آنچه بیان گردید صلح نباید تحمیلی، خلاف حکمت و عزت و مصلحت باشد. اگر فاقد این مؤلفه ها باشد، صلح نیست، بلکه تسلیم است و موجبات تسلط دشمن را فراهم می نماید. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

بعضی نسخه دیگری را تجویز می کنند، می گویند تسلیم بشویم تا دشمن علیه ما مودی گری نکند؛ اینها نمی دانند که هزینه تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه مقاومت کردن و ایستادگی کردن است. بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه ای داشته باشد، اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه برای ملت ها ارزش دارد؛ اما تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی هویت شدن هیچ اثری ندارد؛ این را بایستی همه بدانند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۰۴/۰۹)

از این رو می‌توان گفت به هر اندازه که عزت‌طلبی در پذیرش صلح دارای اهمیت است به همان اندازه عدم‌پذیرش صلح تحمیلی نیز حائز اهمیت بوده و باید با ایستادگی و مقاومت، تسلیم سلطه دشمن نشد.

نتیجه

با بررسی مفهوم صلح در این مقاله به این نتیجه رسیدیم که صلح اگرچه دارای بار معنایی مثبت است، اما موقعی ارزش محسوب می‌گردد که همراه با عدالت، اخلاق و امنیت باشد. در منابع اسلامی پذیرش صلح مقید به شرایط و مقتضیاتی است که در صورت تحقق آنها، جواز پذیرش صلح وجود دارد. مانند پذیرش صلح در زمان برتری بر دشمن، وجود تقاضای صلح از طرف دشمن، در نظر گرفتن عزت، مصلحت و حکمت اسلام و مسلمانان. اگر صلحی منتج به مشروعیت دادن سیاست‌های ناعادلانه دشمن و یا پذیرش ظلم گردد، پذیرش چنین صلحی جایز نیست. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای صلح دارای چند ویژگی است که تحقق آن، نیل به صلح مطلوب را در پی خواهد داشت. مؤلفه‌هایی نظیر هم‌گرایی ساختاری در مقابل، خشونت ساختاری، نگاه خوش‌بینانه به صلح، اقدامات پیشگیرانه جهت رفع ناعدالتی‌ها در راستای تحقق صلح عادلانه، نگاه تاکتیکی به نرمش قهرمانانه و نگاه غایی به صلح از جمله این ویژگی‌ها است.

با مطالعه منابع اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که ریشه اکثر منازعات و خشونت‌های جوامع بشری معطوف به اخلاقیات درونی و نفسانی انسان است. جهت رسیدن به آرامش و امنیت عمومی و اجتماعی باید ریشه تمایلات شقاوت‌ها، ناعدالتی‌ها، ناامنی‌ها، ستیزه‌جویی و خوی استکباری را خشکاند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سعی نمود با تمسک به این آموزه‌های اسلامی، ضمن روشن نمودن قلوب انسان‌ها و هویت‌بخشی به آنها دل‌های خفته را در مقابل نظام سلطه و ساختار نظام بین‌الملل را که در آن خشونت ساختاری، سلطه استکبار، استفاده ابزاری از صلح موج می‌زند، به چالش بکشاند و در مقابل تحقق صلح عادلانه را زمانی ممکن می‌داند که صلح ساختاری، رعایت حق حاکمیت کشورها، برابری حقوق یکسان کشورها در نظام بین‌الملل جایگزین نظام عادلانه کنونی گردد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ۱۳۹۴، ترجمه و تفسیر قرائتی محسن، قم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه دشتی، محمد، قم، نشر مشرقین، چ ۷.
۳. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴. اشرفی، داریوش، ۱۳۹۳، «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، *فصلنامه پژوهش در حقوق عمومی*، دوره ۱۵، شماره ۴۲.
۵. اصفهانی، ابوالحسن، ۱۳۵۲، *وسیلة النجاة*، قم، نیک‌نام.
۶. آقابخشی، علی، ۱۳۶۳، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر تندر.
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی): <https://farsi.khamenei.ir>
۸. جعفری پناه، مهدی، ۱۳۹۸، *مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فرصت‌ها و تهدیدات*، قم، عصر جوان.
۹. جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون، ۱۳۸۳، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذاکریان، تهران، میزان.
۱۰. جمشیدی، محمدحسین، مصطفی نجفی و زینب زبیدی، ۱۳۹۵، «بررسی مقایسه‌ای مقوله صلح پایدار از منظر اسلام و لیبرالیسم اخلاقی (کانتی)»، *مجله سیاست دفاعی*، سال ۲۴، شماره ۹۷.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
۱۲. حقیقت، صادق، ۱۳۸۵، *مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. حیدری، حمید، ۱۳۸۷، «نظریه صلح دموکراتیک»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۱.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۹۱، *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. دهقانی فیروزآبادی، جلال، ۱۳۹۵، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سمت.
۱۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۳، «الزامات ائتلاف برای صلح»، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۷۱.
۱۸. رازینی، علی، ۱۳۸۶، *پژوهشی پیرامون مفردات قرآن*، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چ ۲.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.
۲۰. رمضان‌ی روح‌الله، ۱۳۸۰، *چارچوب تحلیلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
۲۱. زارعی، بهادر، ۱۳۹۷، «اصالت صلح در اندیشه سیاسی اسلام و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۸، شماره سوم.
۲۲. ساعد، نادر، ۱۳۹۰، *حق بر صلح عادلانه*، تهران، مجمع جهانی صلح اسلامی.

۲۳. ستوده آرانی، محمد و علیرضا دانش‌یار، ۱۳۸۸، «آسیب‌شناسی روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۱۹.
۲۴. سلیمانی، رضا، عارف بشیری و سجاد علی‌محمدی، ۱۳۹۲، «نرمش قهرمانانه در دیپلماسی خارجی از منظر فقه سیاسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، شماره ۶۱.
۲۵. صالحی، حمید ۱۳۹۴، «مفهوم صلح در نظریه‌های روابط بین‌الملل غربی و مطالعات صلح ایرانی - اسلامی»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، شماره پانزدهم.
۲۶. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرين*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۲۷. طلوعی، محمود، ۱۳۷۲، *فرهنگ جامع علوم سیاسی*، تهران، نشر علم.
۲۸. عاملی، زین بن علی ۱۴۱۳ ق، *مسائلک الافهام*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۲۹. عسکری، پوریا و یلدا خسروی، ۱۳۹۵، «ضرورت و بایسته‌های مطالعات صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره ۵، شماره ۲۲.
۳۰. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۳، *فقه سیاسی، حقوق بین‌الملل اسلام*، تهران، امیرکبیر.
۳۱. فقیهی مقدس، نفیسه، علی خلجی و محمدعلی مهدوی راد، ۱۳۹۳، «اصول راهبردی صلح در اسلام»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، سال ۲، شماره ۴.
۳۲. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۳. قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۳۷۶، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۴، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران، سمت.
۳۵. کاظمی، علی‌اصغر، ۱۳۶۸، «مفهوم آتش‌بس، ترک مخاصمه و متارکه جنگ از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *حقوقی بین‌المللی*، شماره ۱۱.
۳۶. کوهکن، علیرضا، ۱۳۹۵، «انقلاب اسلامی و گسترش صلح مثبت»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، شماره ۱۰.
۳۷. کوهکن، علیرضا، ۱۳۹۶، «مقایسه مفاهیم کلیدی نظریه انتقادی و نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*، دوره سوم، شماره ۴.
۳۸. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۶، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، نشر سمت، چ ۱۲.
۳۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، *جهاد*، قم، صدرا.
۴۱. ملک‌زاده، محمد، ۱۳۹۶، *تحقق صلح پایدار جهانی از دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای*، منتشر شده در سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم.

۴۲. ملک محمدی، حمیدرضا، ۱۳۷۲، *مفاهیم تعلیق مختصات و حالت نه جنگ و نه صلح در حقوق بین الملل*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۴۳. مهربان، احمد، ۱۳۸۷، «جنگ علیه تروریسم و افزایش حملات انتحاری در عراق و افغانستان»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۸.
۴۴. میرمحمدی، معصومه سادات، ۱۳۹۰، «مقایسه صلح پایدار در اندیشه محور کانت انسان و صلح عادلانه در اندیشه متفکران شیعی»، *معرفت ادیان*، سال دوم، شماره چهارم.
۴۵. نجفی جواهری، محمدحسن، ۱۳۶۲، *جواهر الکلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۶. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، ۱۳۸۶، *تفسیر راهنما تفسیر آیات قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
۴۷. ورعی، سید جواد، ۱۳۸۹، «اصالت صلح در روابط بین الملل»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال ۱۵، شماره ۳.
48. Buzan, Barry, 2008, *From International to World Society? English School Theory and the Social Structur of Globalization*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.
49. Erik Gartzke, 1998, "Kant We All Just Get Along? Opportunity, Willingness, and the Origins of the Democratic Peace", *American Journal of Political Science*, Vol. 42, No. 1.
50. Galtung, J. 1996, *Peace by peaceful means: peace and conflict*, Development and civilization. Sage Publications.
51. Galtung, Johan, "Cultural Violence," *Journal of Peace Research*, Vol. 27, No. 3 (Aug. , 1990), p. 291-305.
52. Galtung, Johan, 1985, "Twenty-five years of peace research ten: and challenges, Some responses", *Journal of Peace Research*, Vol. 22.
53. Gilligan, James, 1996, *Violence: Reflections on a National Epidemic*, (second ed), New York: First Vintage Books.
54. Waltz, K., 1974, *Theory of internationalpolitics*, Reading mass: Addition, Wesley.